

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

موسوی

۱۴ سپتمبر ۲۰۱۶

بی اعتنائی مردم مقابل "اسلام سیاسی"

این نکته را بار ها تذکار داده ام و جای دارد باز هم بار بار یادآوری نمایم، که افغانستان در منطقه ای که قرار گرفته، نظر به همان موقعیت جغرافیائی آن، یکی از معدود کشور های منطقه است، که در آن تحمل عقیدتی به مثابه بخشی از فرهنگ در بین مردم از ریشه های عمیقی برخوردار بوده است، بر همین مبنا، تا قبل از آن که مزدوران روس با جنایات شان، فضاء را جهت ایجاد یک هیستری مذهبی مساعد نساخته بودند، تبارز این تحمل عقیدتی در کردار و روش مردم چنان نهادینه شده بود، که نه تنها بین کشور های همسایه، بلکه نسبت به بسیاری از کشورهای اروپائی نیز، در بسا موارد منوط به تحمل عقیدتی پیشی گرفته بود.

یکی از آن موارد، رفع حجاب در جامعه و تا حدی برخورداری زنها از آزادی های نسبی در زمینه پوشیدن لباس، چگونگی آرایش و قسماً شرکت در محافل و مجالس مختلط، خارج از مناسبات خانوادگی و فامیلی، مانند سینما ها، هتل ها، کنسرت ها، رفتن به استدیوم های ورزشی و امثال آن بود.

تا جایی که از مطالعات ۵ دهه اخیر برمی آید، آن آزادی ها با تمام مبتدی بودن و در سطح قرار داشتن، با درجات معینی از اختلاف، بین شهر کابل و سایر ولایات درجه اول، تا اندازه زیادی از مصونیت برخوردار بود، به تعبیر دیگر اگر در همان زمان درصد جرایم اخلاقی و تجاوزات جنسی در افغانستان آنروزی را با کشور های همسایه و حتا کشور های پیشرفته، به مقایسه می گرفتیم، به یقین درجه مصونیت در افغانستان، اگر در صدر جدول قرار نمی گرفت، از مقام دوم و سوم پائینتر نمی رفت. چنین ادعائی، یک ادعای خوشبینانه و یا به غرض تعریف از دستگاه حاکم آن زمان نبوده، بلکه واقعیتی است که بر مبنای موجودیت همان تحمل عقیدتی بین مردم و احترام به نوامیس یک دیگر، تجربه ایست که تمام افراد در سن و سال بالاتر از ۶۰ سال می توانند، خود آن را شاهد بوده باشند.

در بطن چنان اوضاع و مناسباتی، هنگامی که در دهه "دموکراسی تاجدار" بخشهایی از حاکمیت بدان فکر افتادند، تا از "اسلام سیاسی" به مثابه سدی علیه نیروهای مدعی چپ و جنبش های مردمی استفاده نمایند، باز هم افراد همان سن و سال می توانند به خاطر بیاورند، که "اسلام سیاسی" در همان نخستین روز های پیدایشش، موجودیتش را با زیر پای کردن، روانشناسی اجتماعی مردم در زمینه تحمل عقیدتی و حرمت به نوامیس یک دیگر، با تیزاب پاشی بر روی زنان و دختران بی حجاب آغاز نمود.

این تیزاب پاشان که همه و بدون استثناء در زهدان ارتجاع مذهبی بارور شده و جهت ادامه حیات شان به گواهی تاریخ سر در آخور اجانب دور و نزدیک داشتند و خود را "سازمان جوانان مسلمان" نامید بودند که اینک بخشی از آنها شریک در حکومت دوسره و عده دیگر آنها در انتظار شرکت در قدرت تحفه استعمار دقیقه شماری می نمایند، به صورت عمده اکنون در تشکلهای "حزب اسلامی - گلبدین" و "جمعیت اسلامی - شورای نظار- ربانی، مسعود" سازمان یافته اند.

این گروه تیزاب پاش، از همان نخستین روزهای به وجود آمدن در کنار ده ها خیانت و جنایت دیگر آنها، زن ستیزی آشکار و جنون آمیز را به مثابه محور کار شان اعلام داشته، می خواستند با عقب زدن، و محبوس ساختن زنان در چهاردیواری خانه های شان، نه تنها جنس زن را از شرکت در امور اجتماعی باز دارند، بلکه فشار و تشدید اختناق و وحشت را به مثابه بهترین وسیله ایجاد خوف و هراس در درون جامعه، تشخیص داده، تا می توانستند و اینک هم تا می توانند، با تمام قواء می کوشند تا همان فضای دهشتناک را بر تمام جامعه قایم نمایند.

بدون آن که از مصایبی که زنان افغان در جریان حاکمیت مزدوران روس و "اسلام سیاسی" متحمل شده اند در این مختصر یاددهانی نمائیم، بررسی مفصلتر آن را به آینده موکول نموده، می پر دازم، به همسوئی برده وار نوکران امپریالیزم دیسانت شده به وسیله "ب- ۵۲" و بخشهایی از "اسلام سیاسی" که از همان آغاز قلاده امپریالیزم را بر گردن آویخته، تا توانستند در جهت انقیاد مجموع ملت، به خصوص سلب آزادیهای اولی زنان، از هیچ دناستی دریغ نورزیدند.

خوانندگان نهایت عزیز!

از فرد فرد شما تقاضا دارم تا اگر عکس در اختیار ندارید، لطفاً به مانند این قلم، از حافظه کار گرفته، نخستین جلسه ای را که به اصطلاح وزرای دولت موقت دست ساخت امریکا، تحت رهبری ببرک امریکائی (حامد کرزی) در کابل دایر نمود به خاطر بیاورید، در آن میان باز هم از شما تقاضا دارم تا طرز لباس پوشیدن و مراعات حجاب افراطی دیکته شده از جانب امپریالیزم را که خانم "سیما سمر" بعد از سالها "بی حجابی" خود را بدان پیچانیده بود، نزد تان مجسم سازید. دیدن خانم "سمر" در آن قیافه و حجاب اگر از جانبی انسان را بدین فکر می انداخت که گویا بیچاره "سمر" در قطب شمال و یا جنوب رفته است، از طرف دیگر فریاد می زند که امپریالیزم با آن قیافه سازی ها می خواهد به "اسلام سیاسی" در افغانستان عاجزانه اظهار دارد:

"قوای ما صرف به خاطر تأمین حاکمیت سیاسی ما در اینجا می باشند، از لحاظ فرهنگی و حقوق اجتماعی این کارد شما و این هم پوست و گوشت افغانها درکل به خصوص زنان افغان".

در جریان این ۱۵ سال سلطه اشغالگران بر افغانستان باز هم همه شاهد هستیم، که ارتجاع هار مذهبی تکیه زده بر حاکمیت مستعمراتی با پشتوانه و تکیه بر امپریالیزم، تا توانست جلو آزادیهای زنان افغان را گرفته، بیشتر از تمام ادوار تاریخ، زنان دربند را وادار به خود کشی و تعویل مجازات های سنگسار، گوش و بینی بریدن نموده به ده ها "فرخنده" از جمع آنها به قربانی گرفت.

مگر آنچه باعث نگارش این مختصر گردید، مشاهده ویدیو کلیپی است که یکی از دوستان برابم فرستاده، مشاهده آن نوید می دهد، که زنان افغان خود تصمیم گرفته اند، تا با بی اعتنائی به "اسلام سیاسی" هویت مستقل خویش را به نمایش بگذارند.

ویدیو کلیپ، هنرنمایی خانم "آریانا سعید" هنرمند خوش الحان را نمایش می دهد، که هنگام افتتاح تورنمنت خزانی فوتبال در استدیوم، بدون حجاب- بخوانید یکی از زنجیرهای اسارت زن- در محضر ده ها هزار نفر آهنگ شادی را

تقدیم تماشاگران نموده، با حرکات زیبایش نه تنها آقایان حاضر در استدیوم را به رقص و پایکوبی بر می انگیزد بلکه در عمل ترس و هراس زندگانی در تحت حاکمیت "اسلام سیاسی" را از خانمهای حاضر در استدیوم نیز گرفته، با همراه ساختن آنها به رقص و پایکوبی خودش، گذشته از آن که برای لحظات چند، حیات و شادمانی را در فضاء پراکنده می سازد، به "اسلام سیاسی" که همیشه سوار بر توسن محافظه کاری اکثریت خاموش، توانسته امیال شوم و عقب گرایانه اش را بر همگان تحمیل دارد، بی اعتنائی در حد دهن کجی آشکارش را اعلام می دارد.

خوانندگان نهایت عزیز!

من نه تنها خانم "آریانا سعید" را نمی شناسم و راجع به اعتقادات سیاسی- ایدئولوژیک وی کمترین شناختی ندارم و چه بسا به جز همین مورد، در هیچ مورد دیگری با هم تفاهم نداشته باشیم، بلکه ملاحظات خاص خود را راجع به نقش ورزش در جوامع مختلف و استفاده ابزاری که امپریالیزم و جوامع سرمایه داری از آن می نماید، نیز دارا می باشم، اما نه آن اختلافات و نه هم ملاحظات خیلی جدی، مانع نمی گردد، تا به خانم "آریانا سعید" و برنامه کنندگان آن افتتاحیه، از صمیم قلب تبریک نگفته و از شما خوانندگان عزیز نخواهم که به چنین دستاوردهائی بدون بغض علی و عمر نگریسته، با تحکیم و گسترش آن ، "اسلام سیاسی" را به جایگاه اصلی اش که زباله دان تاریخ است، بفرستید.

برای آنانی که آن صحنه را ندیده اند، اینهم آن لینک:

[خواننده بی حجاب، و تماشاچیان زن در مراسم افتتاحیه لیگ برتر فوتبال افغانستان](http://news.gooya.com/didaniha/archives/2016/09/217226.php)

<http://news.gooya.com/didaniha/archives/2016/09/217226.php>